



دردناک‌ترین تصمیم بان‌کی‌مون

سعید یاسرزاد

از جنایات این رژیم است.

۲- این عمل سازمان ملل، ضعف ساختاری و مدیریتی آن را نشان می‌دهد؛ سازمانی که برای احقاق حق ملت‌های مظلوم و دفاع از کرامت و انسانیت(!) شکل گرفته است. چنین عملی وابستگی سازمان ملل را به قدرت‌های جهانی و هم‌پیمانان آن نشان می‌دهد و راه را برای تجاوز هر کشوری که از حمایت قدرت‌های جهانی برخوردار باشد، باز نگه می‌دارد. هر چند این تصمیمات و سکوت سازمان ملل مسبوق به سابق است و در تجاوزات آشکار رژیم صهیونیستی به مردم بی‌گناه غزه در سال‌های گذشته دیده شده بود.

۳- سازمان‌های بین‌المللی همواره بسترساز گسترش قدرت آمریکا در جهان هستند. آمریکا به نوعی با بین‌الملل‌گرایی که انجام داده و نفوذ بر سازمان‌های بین‌المللی، از آنها برای رسیدن به اهداف و مطامع خود چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح بین‌المللی استفاده می‌کند. وابستگی عربستان به آمریکا بر هیچ‌کس پوشیده نیست و در راستای این وابستگی و تبعیت از سیاست‌های واشنگتن است که سازمان ملل نام عربستان را از فهرست سیاه ناقضان حقوق کودکان یمن حذف کرد. همچنین، همین سازمان‌ها و مجامع به اصطلاح بین‌المللی(!) کشورها و جنبش‌هایی را که در مبارزه با تروریسم در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی اقدام می‌کنند؛ حامی تروریسم معرفی می‌کند. جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان نمونه‌هایی از این اقدام سازمان‌های بین‌المللی هستند. بنابراین، استفاده از ابزارهای بین‌المللی برای رسیدن به برخی اهداف، یکی از اقدامات قدرت‌های جهانی است.

۴ -عربستان بنابر دیپلماسی تطمیع یا همان دیپلماسی پولی، سازمان ملل را تهدید کرد و به آن فشار آورد. در این تهدیدها گفته شده بود، اگر بان‌کی‌مون این اقدام را انجام ندهد، عربستان کمک‌های خود به سازمان ملل و همچنین فلسطین را قطع می‌کند و حتی عالمان دینی در عربستان نیز اقدام به صدور فتوا علیه سازمان ملل کرده و این سازمان را یک نهاد ضدمسلمان معرفی می‌کنند و پس از آن همکاری با سازمان ملل برای کشورهای اسلامی به نوعی ممنوع می‌شود. بنابراین، عربستان با استفاده از پول و نفوذ خود بر کشورهای عربی و همچنین بُعد ایدئولوژیک به قضیه فوق، توانست خود را از مرع‌که نجات دهد. اگرچه عربستان امروز بنابر سیاست تهدید و تطمیع و استفاده از نفوذ قدرت‌های جهانی در مجامع بین‌المللی، توانست اسم خود را از فهرست سیاه سازمان ملل حذف کند؛ اما حق و حقوق مردم بی‌گناه و مظلوم یمن و همچنین منطقه نابخشودنی است. گفتنی است؛ جمهوری اسلامی در جایگاه رئیس فعلی جنبش عدم تعهد می‌تواند از ظرفیت این جنبش برای احقاق حقوق مردم بی‌دفاع یمن استفاده کند.

پایش

بازی با مهره شجریان

محسن فخری

ملی چه برخوردی باید با او داشته باشد؟ آیا همه آنتن صدواسیما در فراوانی در فضای رسانه‌ای و مجازی کشور شد. روزنامه دولت در این روز که با آخرین روز ماه معطلی شعبان مصادف بود، مصاحبه مفصلی را با محمدرضا شجریان به چاپ رساند و تصویر او را بر صفحه‌اول خود قرار داد تا در آستانه ماه مبارک رمضان بار دیگر بحث پخش شدن یا پخش نشدن رتنامی این خواننده را در فضای رسانه‌ای بر رنگ کرده و از زبان وی در این‌باره بنویسد: «رتنا متعلق به من هم نیست. متعلق به مردم است. جزء زندگی و عواطف مردم است و هیچ‌کس حق ندارد آن را از مردم بگیرد» در اولین واکنش پایگاه خبری جهان‌نیوز تحت‌مطلبی با عنوان «شجریان پخش رتنامیش را ممنوع کرد یا صدواسیما؟!»:نوشت:

شجریان در حالی ادعا می‌کند که نظام رتبا را از سفزه افطار مردم حذف کرده است که بازخوانی گفت‌وگوی وی با شبکه بی‌بی‌سی فارسی به خوبی نشان می‌دهد، شخص شجریان خواستار این اتفاق بوده و نه مدیران وقت رسانه ملی و پس از درخواست شجریان مبنی بر راضی نبودنش برای پخش رتبا از رسانه ملی، مدیران این رسانه طی بخشنامه‌ای و بنا بر درخواست نامبرده، پخش آن را از رسانه ممنوع اعلام کردند!

این پایگاه خبری به این عبارات بسنده نکرده و با قرار دادن فیلم گفت‌وگوی شجریان با شبکه دولتی انگلستان به بازخوانی رفتار و گفتار محمدرضا شجریان در سال‌های اخیر پرداخته و پس از تطبیق اظهارات او در مصاحبه با روزنامه «ایران» و گفتنه‌های گذشته‌اش می‌نویسد: «با تمامی این اوصاف از حوال و روز شجریان و تناقضات رفتاری و گفتاری وی طی سال‌های اخیر، این سؤال مطرح می‌شود که احترام بگذارذ نه فشار سیاسی چند روزنامه سیاسی»، نوشت: «قطعا

رهیافت سناریوی عضویت رژیم صهیونیستی در ناتو

محمد عزیزآبادی فراهانی

تجهیزات و ادوات نظامی به کشورهای، چون گرجستان، ازبکستان و آذربایجان از سوی رژیم غاصب صهیونیستی از نمودهای عملی آن بود. طرح گسترش ناتو به‌ویژه با طرح ناموفق خاورمیانه بزرگ آمریکایی اهمیت بیشتری یافت؛ به گونه‌ای که ایالات متحده طی نشست امنیتی سران ناتو در استامبول(۲۰۰۴) بسیاری تلاش کرد تا اعضای ناتو را در سیاست‌گذاری‌های خاورمیانه‌ای خود کاملاً مشارکت دهد.

این مسئله از آنجا دغدغه‌های امنیتی بیشتری را برای تحلیلگران سیاسی ایجاد می‌کند که به تازگی و برای اولین بار در چند دهه گذشته، رژیم اشغالگر صهیونیستی دفتری را در بروکسل، یعنی در مقر پیمان ناتو راه‌اندازی کرده است تا تمهیدات عضویت خود در ناتو را فراهم کند.

حال پیوستن رژیم اشغالگر صهیونیستی به نیروهای دریایی ناتو، فرصت حضور در پهنه‌های دوردست آبی را به این رژیم می‌دهد، بدون آنکه هیچ‌گونه حساسیتی نسبت به این حضور صورت گیرد. این موضوع پرسش‌های بسیاری در زمینه‌های نظامی، سیاسی و حتی راهبردی درباره پیامدهای عضویت این رژیم در این پیمان نظامی ایجاد کرده است، از جمله اینکه موضوع عضویت رژیم غاصب صهیونیستی در ناتو چه تأثیری بر وضعیت نابسامان منطقه دارد و هر کدام از دو طرف (ناتو و تل آویو) چه سودی از این عضویت احتمالی میبرند؟ برای پاسخ به پرسش‌های فوق و نیز تبیین دقیق مسئله عضویت رژیم صهیونیستی در ناتو، آن هم در چنین شرایطی، ذکر چند نکته مهم ضروری است:

اول، مقامات رژیم غاصب صهیونیستی به خوبی این نکته را درک کرده‌اند که صهیونیسم بین‌الملل و هم‌پیمانان غربی‌اش به دنبال حفظ سلطه و سیطره خود بر منطقه راهبردی غرب آسیا هستند و روند حوادث منطقه – به ویژه پس از شعله‌ور شدن جنگ در منطقه و قرار گرفتن شماری از کشورهای عربی در صف پنایان جنگ – نشان می‌دهد، ناتو مهره کلیدی صهیونیسم و مشت فولادی آن در اجرای سیاست‌ها، تحقق رویاها و دسترسی به اهدافش در این منطقه پرتنش و حساس است. دوم، در اوضاعی که با تلاشهای مجاهدانه جریان مقاومت، پروژه داعش و نوسازی جغرافیای سیاسی منطقه به شکست منجر شده است و با وجود برخی اختلافات در داخل ناتو، منافع در هم گره خورده صهیونیسم بین‌الملل و دول غربی سبب شده است تا مسئله عضویت رژیم صهیونیستی در ناتو شکل عملی و رسمی پیدا کند. به همین دلیل، کاخ سفید شرایط لازم را فراهم می‌آورد تا ناتو و تل آویو نقش مهم خود را در مناقشات آتی و احتمالی در منطقه غرب آسیا – البته در صورت وقوع – ایفا کنند و محور نیروهای ناتو و کشتی‌های جنگی این نهاد در غرب آسیا و افغانستان و در مزرهای سوریه و ایران شاهدهی بی‌چین مدعااست. نکته پایانی اینکه، باید دانست ناتو بازی نظامی صهیونیسم بین‌الملل بوده و مسئله عضویت رژیم صهیونیستی در ناتو چیزی جز سناریوی فریبنده سیاسی نخواهد بود. سناریویی که اهدافی جز تأمین هر چه بیشتر امنیت رژیم غاصب صهیونیستی و عادی‌سازی روابط این رژیم با دول خودفروخته عربی را به دنبال نخواهد داشت.

اقتصادی

سعید مهدوی

انس رکود و بیکاری با اقتصاد

چند سالی است که رکود بر اقتصاد ایران حکم فرما شده است. مردم و مسئولان منتظر اجرای برجام بودند تا وضع تولید از این حالت اسف بار خارج شود. اما برجام، نه تنها نتوانست رکود موجود در اقتصاد را برطرف کند؛ بلکه با انتظاراتی که دولت برای این توافق در جامعه و فعالان اقتصادی به وجود آورده بود، ظاهراً رکود را عمیق‌تر کرده است. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد به دلیل کارشکنی‌های غربی‌ها و به ویژه کنگره آمریکا اجرای برجام دچار تاژل شد است و امیدهایی که دولت و ملت به این توافق بسته بودند رنگ نداشت. اما واقعیت این‌همه هنوز دولت را در چند گامی اعلام می‌کند که از رکود عبور کرده‌ایم! اما واقعیت غیر از این است. واقعیت وضع کارگاه‌های تولید و صنایع ورشکسته‌ای است که این روزها به آسیب‌های آشکار اقتصاد کشور تبدیل شده‌اند؛ لذا باید واقعیت را بپذیریم و از آن فرار نکنیم؛ چراکه لازمه برنامه‌ریزی و مدیریت یک بحران داشتن درک درست از مشکل و مسئله است.

رهر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هفته گذشته رئیس و نمایندگان مجلس دهم به موضوع اولویت‌های کاری مجلس دهم پرداختند و با تأکید بر اینکه «اقتصاد» یک موضوع اصلی است، فرمودند: «نمایندگان مجلس، در خصوص عملی شدن اقتصاد مقاومتی بسیار تأثیر گذار هستند؛ زیرا می‌توانند مسیر اقدامات اقتصادی دولت را در مسیر اقتصاد مقاومتی قرار دهند و همچنین این موضوع را از دولت مطالبه کنند.» حضرت آیت‌الله‌الظمی خامنه‌ای، حل موضوع رکود و اشتغال از طریق رونق تولید داخلی را از اولویت‌های اصلی و بسیار مهم در بخش اقتصاد برشمردند و خاطرنشان کردند: «خلج‌ت و شرمندگی نظام از بیکاری یک جوان، از خلجت و شرمندگی جوان بیکار در خانواده خود، بیشتر است، بنابراین باید برای حل این مشکل، اقدامات جدی انجام شود».

در حلال حاضر حدود ۳۰ درصد از واحدهای صنعتی کشور تعطیل و ۵۰ درصد نیمه‌تعطیل بوده و فقط ۲۰ درصد از واحدهای صنعتی با بیش از ۵۰درصد ظرفیت مشغول فعالیت هستند. نرخ‌های بیکاری اعلامی نیز بین ۱۱ تا ۱۳ درصد در نوسان است. بر اساس گزارش‌های مسئولان رسمی مرکز آمار ایران، طی سال‌های اخیر، سالیانه تنها ۶۶ هزار و ۷۰۰ نفر توانسته‌اند وارد بازار کار شوند و در سال‌های ۸۴ تا ۹۴ تنها ۶۶۷ هزار و ۷۸۲ نفر توانستند شغلی برای خود دست و پا کنند.

اما دلایل این رکود شدید و چالش تولید داخلی که موجب تشدید معضل اشتغال نیز شده است، کدامند؟

– دولت برای خروج از رکود به راه‌های کوتاهمدت و بسته‌های موقتی و فوری بسنده کرده است. متأسفانه دولت انتظار دارد نتیجه اقدامات را در زمان زمامداری خود ببیند که این‌گونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌کند. یک دلیل دیگر این طرز فکر نیز این است که دولت در بسته خروج از رکود اخیر (تسهیلات خرید خودرو و کالا) به دنبال تحریک تقاضا است که آثار مثبت آن هر چند کم است، ولی در کوتاهمدت بروز می‌یابد.
– حمایت از تحریک اقتصاد از سمت تقاضا هر چند زودتر به نتیجه می‌رسد، اما آثار اسلسی مثبت کمتری دارد، در حالی که وقتی موانع عرضه برداشته شده و تولید آسان شود، پس از مدتی افزایش اشتغال، درآمد و ارتقای سطح رفاه عمومی و رونق را به همراه خواهد داشت.
– برای بزوزفت از رکود، بخش مسکن نسبت به خودرو گزینه بسیار بهتری است؛ چراکه مشاغل مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است و همچنین دیدگاه مردم نسبت به مسکن، علاوه بر مصرف، دیدگاه سرمایه‌گذاری است، اما درباره خودرو، فقط دیدگاه مصرفی است.
– تا زمانی که نرخ بهره بانکی به این حد بالا است، حرکت نقدینگی از بانک‌ها به سمت دیگر بخش‌های اقتصادی به سختی امکان‌پذیر است. در درجه اول، نرخ سود بانکی باید به شدت کاهش یابد تا نقدینگی وارد بازاری بهتر مانند مسکن و بورس شود.
– قاچاق کالای وارداتی سازمان‌یافته و همچنین واردات رسمی و ارزان‌قیمت اجناسی که در داخل تولید می‌شوند نیز به نوبه خود توانسته‌ست ضربه مهلکی به بدنه تولیدی اقتصاد وارد کند.

آنها که خائنانه یا غافلانه، برای مردم کاری نمی‌کنند، ابزار شرمندگی هستند؛ دربار‌ه قصور احتمالی در اثر فشارهای رسانه‌ای در این زمینه وجود ندارد؛ اما به جهت یادآوری، بی‌دب‌ نیست برخی مواضع توهین‌آمیز شجریان سیاسی و مراکز تصمیم‌گیری، به این نتیجه رسیده‌اند که مشکل مملکت و جوانان، نه بیکاری، نه ازدواج و نه هیچ چیز دیگر است! مشکل آنها نشدین



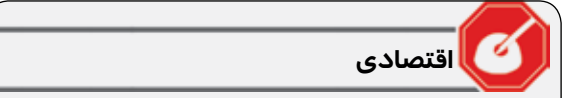
صدای آواز پیرمردی است که روزگاری نه چندان دور از برج عاج خود گفته بود: «من اگر آروغ هم بزنم، مردم صف می‌بندند!» این مهم‌ترین دغدغه مردم، اکنون با به صف کردن پیاده نظام رسانه‌ای و مزدوران اجاره‌ای در حال ترویج و تبلیغ است و روزبه‌روز بیشتر از قبل به مسئله اول بدل می‌شود و شاید به زودی مسئله اول آسیا و حتی جهان شود!.. اکنون این فرمان فاشنامه‌ای و این سکوت کیهودی، سنوزه مناسی‌بی شده برای سرگرم کردن جامعه! برای ایجاد دو

قطبی جدید! پس چرا باید فرصت را از دست داد، وقتی می‌توان با این چیزها که رهبر معظم انقلاب، به عوض همه

ناشی از استیصال و رویگردانی مردم از اقداماتش است و نه از سر ارادت به باورهای مردم این سرزمین.»

در این میان و در حالی که بسیاری از کار‌بران فضای مجازی این سؤال را مطرح می‌کردند که چرا گروهی که بر این باورند و مدام تکرار می‌کنند، هیچ کس صدواسوسیمای جمهوری اسلامی را نگاه نمی‌کند!

این همه به پخش صدای شجریان به عوض صدواسیما اصرار دارند؟ روزنامه «کیمهان» از زاویه متفاوت به مصاحبه روزنامه دولت با این خواننده پرداخت و نوشت: «در حالی‌که هر دقیقه، یک ایرانی بیکار می‌شود و در حالی که رهبر معظم انقلاب، به عوض همه



سعید مهدوی

انس رکود و بیکاری با اقتصاد

چند سالی است که رکود بر اقتصاد ایران حکم فرما شده است. مردم و مسئولان منتظر اجرای برجام بودند تا وضع تولید از این حالت اسف بار خارج شود. اما برجام، نه تنها نتوانست رکود موجود در اقتصاد را برطرف کند؛ بلکه با انتظاراتی که دولت برای این توافق در جامعه و فعالان اقتصادی به وجود آورده بود، ظاهراً رکود را عمیق‌تر کرده است. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد به دلیل کارشکنی‌های غربی‌ها و به ویژه کنگره آمریکا اجرای برجام دچار تاژل شد است و امیدهایی که دولت و ملت به این توافق بسته بودند رنگ نداشت. اما واقعیت این‌همه هنوز دولت را در چند گامی اعلام می‌کند که از رکود عبور کرده‌ایم! اما واقعیت غیر از این است. واقعیت وضع کارگاه‌های تولید و صنایع ورشکسته‌ای است که این روزها به آسیب‌های آشکار اقتصاد کشور تبدیل شده‌اند؛ لذا باید واقعیت را بپذیریم و از آن فرار نکنیم؛ چراکه لازمه برنامه‌ریزی و مدیریت یک بحران داشتن درک درست از مشکل و مسئله است.

رهر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هفته گذشته رئیس و نمایندگان مجلس دهم به موضوع اولویت‌های کاری مجلس دهم پرداختند و با تأکید بر اینکه «اقتصاد» یک موضوع اصلی است، فرمودند: «نمایندگان مجلس، در خصوص عملی شدن اقتصاد مقاومتی بسیار تأثیر گذار هستند؛ زیرا می‌توانند مسیر اقدامات اقتصادی دولت را در مسیر اقتصاد مقاومتی قرار دهند و همچنین این موضوع را از دولت مطالبه کنند.» حضرت آیت‌الله‌الظمی خامنه‌ای، حل موضوع رکود و اشتغال از طریق رونق تولید داخلی را از اولویت‌های اصلی و بسیار مهم در بخش اقتصاد برشمردند و خاطرنشان کردند: «خلج‌ت و شرمندگی نظام از بیکاری یک جوان، از خلجت و شرمندگی جوان بیکار در خانواده خود، بیشتر است، بنابراین باید برای حل این مشکل، اقدامات جدی انجام شود».

در حلال حاضر حدود ۳۰ درصد از واحدهای صنعتی کشور تعطیل و ۵۰ درصد نیمه‌تعطیل بوده و فقط ۲۰ درصد از واحدهای صنعتی با بیش از ۵۰درصد ظرفیت مشغول فعالیت هستند. نرخ‌های بیکاری اعلامی نیز بین ۱۱ تا ۱۳ درصد در نوسان است. بر اساس گزارش‌های مسئولان رسمی مرکز آمار ایران، طی سال‌های اخیر، سالیانه تنها ۶۶ هزار و ۷۰۰ نفر توانسته‌اند وارد بازار کار شوند و در سال‌های ۸۴ تا ۹۴ تنها ۶۶۷ هزار و ۷۸۲ نفر توانستند شغلی برای خود دست و پا کنند.

اما دلایل این رکود شدید و چالش تولید داخلی که موجب تشدید معضل اشتغال نیز شده است، کدامند؟

– دولت برای خروج از رکود به راه‌های کوتاهمدت و بسته‌های موقتی و فوری بسنده کرده است. متأسفانه دولت انتظار دارد نتیجه اقدامات را در زمان زمامداری خود ببیند که این‌گونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌کند. یک دلیل دیگر این طرز فکر نیز این است که دولت در بسته خروج از رکود اخیر (تسهیلات خرید خودرو و کالا) به دنبال تحریک تقاضا است که آثار مثبت آن هر چند کم است، ولی در کوتاهمدت بروز می‌یابد.
– حمایت از تحریک اقتصاد از سمت تقاضا هر چند زودتر به نتیجه می‌رسد، اما آثار اسلسی مثبت کمتری دارد، در حالی که وقتی موانع عرضه برداشته شده و تولید آسان شود، پس از مدتی افزایش اشتغال، درآمد و ارتقای سطح رفاه عمومی و رونق را به همراه خواهد داشت.
– برای بزوزفت از رکود، بخش مسکن نسبت به خودرو گزینه بسیار بهتری است؛ چراکه مشاغل مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است و همچنین دیدگاه مردم نسبت به مسکن، علاوه بر مصرف، دیدگاه سرمایه‌گذاری است، اما درباره خودرو، فقط دیدگاه مصرفی است.
– تا زمانی که نرخ بهره بانکی به این حد بالا است، حرکت نقدینگی از بانک‌ها به سمت دیگر بخش‌های اقتصادی به سختی امکان‌پذیر است. در درجه اول، نرخ سود بانکی باید به شدت کاهش یابد تا نقدینگی وارد بازاری بهتر مانند مسکن و بورس شود.
– قاچاق کالای وارداتی سازمان‌یافته و همچنین واردات رسمی و ارزان‌قیمت اجناسی که در داخل تولید می‌شوند نیز به نوبه خود توانسته‌ست ضربه مهلکی به بدنه تولیدی اقتصاد وارد کند.